

بازشناسی هویت انقلاب اسلامی

دکتر محمدصادق کوشکی^۱

چکیده

در این مقاله، پس از بیان مفهوم اولیه هویت، سعی شده است یک گونه‌شناسی از هویت در حوزه نهادهای اجتماعی (مانند انقلاب) ارائه شود. در این گونه‌شناسی، سه هویت تأسیسی، تداومی و غایتی، تعریف و تبیین خواهد شد و در نهایت سعی بر آن است تا با بازکاوی این سه‌گونه از هویت در عرصه هویت انقلاب اسلامی، ثابت شود مقوله عاشورای حسینی، تأمین‌کننده بار محتوایی و ایجادکننده هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی و مقوله انتظار مهدوی، سازنده هویت غایتی انقلاب اسلامی بوده است.

نتایج اصلی برآمده از این تحقیق، به این شرح است:

۱. اثبات ایجاد هویت انقلاب اسلامی بر دو رکن مفهومی - تاریخی عاشورا و انتظار؛
۲. اثبات بهره‌مندی هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی از پدیده عاشورای حسینی و ایجاد هویت غایتی؛
۳. انقلاب اسلامی براساس انتظار مهدوی.

۱. استادیار دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی.

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۱۰ پذیرش نهایی: ۸۸/۱/۲۰

واژگان کلیدی

هویت، انقلاب اسلامی، عاشورای حسینی، انتظار مهدوی، هویت
تأسیسی، هویت تداومی، هویت غایتی.

مقدمه

پدیده انقلاب اسلامی ایران، چه به عنوان یک رخداد بی نظیر سیاسی - اعتقادی و چه به عنوان یک تحول عمیق فکری در عرصه زندگی اجتماعی انسان، منشأ مباحث و تأثیرهای گوناگونی در فضای جامعه ایران و عرصه های بین المللی شده، به گونه ای که تأثیرهای آن نه تنها بر دیروز و امروز، بلکه بر فردای جامعه بشری نیز انکارناپذیر است. بی شک، هرگونه رویارویی با این پدیده (اعم از جانبدارانه و غیر آن)، بدون شناخت ماهیت آن نه تنها ثمری ندارد، بلکه بر میزان ابهام نسبت به آن خواهد افزود و کار را بر اندیشه های مشتاق تعامل با انقلاب اسلامی دشوارتر از پیش خواهد کرد. از سوی دیگر صبغه ماهیت فرهنگی - اعتقادی این رویداد کم نظیر بشری سبب شده است تا در مسیر شناخت ماهیت آن، مقوله هویت انقلاب اسلامی و شناسایی آن، در زمره گام های نخست به شمار آید. نوشتار حاضر می کوشد تا ضمن ارائه مفهوم برگزیده خود از مقوله هویت، به شناسایی پدیده های مؤثر بر ساخت، تداوم و غایت (شکل مطلوب) هویت انقلاب اسلامی بپردازد؛ چرا که بدون این شناخت، هرگونه تلاش در زمینه آسیب شناسی و دفاع از انقلاب اسلامی یا ترویج آن، راه به جایی نخواهد برد.

مفروض اساسی این تحقیق، تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از دو مقوله عاشورای حسینی و انتظار مهدوی است و بنای نوشتار حاضر بر این پایه استوار است که عاشورای حسینی و انتظار مهدوی (و مفاهیم مرتبط) به عنوان دو مقوله اعتقادی در فرهنگ شیعی، تأثیرهای مؤثر و عمیقی بر هویت انقلاب اسلامی بر جای گذاشته است.

اینکه عاشورای حسینی در ایجاد و تداوم هویت انقلاب اسلامی تأثیر گذارده است و نیز انتظار مهدوی غایت و آرمان انقلاب اسلامی به شمار می آید، فرضیه این تحقیق است. نوشتار حاضر از یک مقدمه و سه فصل تشکیل شده است. فصل نخست به بررسی مفهوم هویت و ادبیات رایج درباره آن می پردازد و در ادامه، مفهوم برگزیده از هویت را

ارائه می‌دهد. فصل دوم مباحثی درباره سنخ‌شناسی هویت (به‌ویژه هویت پدیده‌های فراگیر اجتماعی - اعتقادی) است. تطبیق مفاهیم سه‌گانه هویت (هویت تأسیسی، تداومی و غایتی) بر پدیده انقلاب اسلامی بر مبنای روش نقلی و براساس دیدگاه‌ها و نگرش‌های بنیان‌گذار انقلاب، شاکله فصل سوم را تشکیل می‌دهد. در پایان نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کاربردی پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق در این مقاله، ترکیبی از روش‌های توصیفی و نقلی است که مبنای استدلال تحقیق و اثبات فرضیه آن، استناد به اقوال و آرای مؤید فرضیه از منابع ناهمگون و غیر همسو (مؤید و مخالف انقلاب اسلامی) خواهد بود.

تعریف هویت

مفاهیمی چون هویت و فرهنگ، از کلیدواژه‌های اساسی در علم جامعه‌شناسی به شمار می‌روند. اگرچه نمی‌توان ترمینولوژی دقیقی برای این واژگان یافت، ولی آنچه مسلّم است، این است که تدوین و تنظیم علمی و تئوریک مفاهیم فوق، از دستاوردهای کلاسیک شدن دانش در نهاد دانشگاه است. (Le page, Robert, Tabouret keller, Andree 1985 :128)

دانشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی، تعریف یکسانی از هویت ندارند، ولی آنچه در این باره مسلّم به نظر می‌رسد، این است که هویت، رابطه مستقیم و انطباق نسبتاً جامعی با فرهنگ هر فرد و جامعه دارد. همه تعاریف موجود درباره هویت، برخلاف پراکندگی در شیوه پرداخت واژگان و تنظیم عبارت‌ها و اصطلاحات، از پارادایم واحدی پیروی می‌کنند و آن، این است که:

هویت، تعریفی است که می‌توان بر اساس ارزش‌ها، باورها، آداب، سنن، هنجارها و، از یک فرد یا جامعه ارائه کرد. به تعبیر دیگر، هویت برآیند چپستی فرهنگی هر فرد یا جامعه و ردپایی است که فرهنگ در مسیر عبور تاریخی خود بر جای می‌گذارد. از این رو، هویت در

واقع حاصل جمع عناصر فرهنگی فرد یا جامعه است. هویت در فرهنگ معین این چنین تعریف شده است: «آنچه موجب شناسایی فرد باشد.» بر اساس این تعریف، یک خود (self) وجود دارد و یک دیگری (other)، از این رو، هویت در تعارض و اختلاف با دیگران پا به عرصه مطالعات اجتماعی و فرهنگی می‌گذارد.

نخستین مفهومی که به همراه هویت و نیز در هویت‌شناسی به کمک ذهن می‌آید، مفهوم جنجالی و پر رمز و راز فرهنگ است. در واقع، شناخت تعریف و فهم کارکرد هویت، در گرو شناخت ماهیت و کارکرد فرهنگ است. در ادبیات فارسی و لاتین، فرهنگ به معنای پروراندن و تعالی بخشیدن است. (رفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۲۹۵) برای مثال، مولانا، شاعر پرآوازه ایرانی، در یکی از مثنوی‌های خود می‌گوید:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

گر بود اندیشه‌ات گل، گلشنی ور بود خاری، تو هیمة گلخنی

یا خواجه عبدالله انصاری، عارف و شاعر ایرانی، می‌گوید:

گر در طلب جوهر جانی، جانی گر در طلب گوهر کانی، آنی

من فاش کنم حقیقت مطلق را هر چیز که در جستن آنی، آنی

دانشمندان غربی نیز درباره تعریف هویت، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. این دانشمندان از آنجا که صرفاً در گفتمان ماتریالیستی تفکر می‌کنند و با غایات پوزیتیویستی می‌اندیشند، در تعریف هویت نیز صرفاً جنبه‌های لمسی و حسی فرهنگ را در نظر گرفته و از ابعاد معناگرایانه و متافیزیکی فرهنگ غفلت ورزیده‌اند. (همان)

انواع هویت و خاستگاه آن

هویت از دو سطح فردی و جمعی تشکیل می‌شود که در متون جامعه‌شناسی، هویت جمعی به زیرگروه‌هایی چون هویت گروهی و هویت ملی تقسیم می‌گردد. در این میان، آنچه مهم به

نظر می‌رسد، چگونگی پیوند میان هویت فردی و هویت جمعی است. نخستین اصلی که در مطالعه چستی پیوند میان هویت فردی و هویت جمعی باید به آن توجه کنیم، این است که هویت‌های فردی معمولاً به مرجع ضمیر خود مراجعه می‌کنند و با هر گروهی که احساس تجانس و تشابه بیشتری نمایند، به سوی همان هویت جمعی پیش می‌روند. (همان: ۱۳۳) در چنین فرایندی که هویت‌های جمعی برای افزایش دامنه قدرت خود، با هویت‌های جمعی دیگر همواره در حال رقابت و بعضاً در حال ستیز هستند، الگوسازی، نقش تکنیکی بسیار قدرتمندی را ایفا می‌کند؛ به این معنا که معماران، مفسران و عملیاتی‌کنندگان هویت‌های جمعی همواره می‌کوشند برای جذب و افزایش اعضای جدید، الگوهایی از غایت‌های هویتی مطلوب خود را به نمایش بگذارند تا هواداران یا انتخاب‌کنندگان، تصویر روشنی از هویت غایی که در نهایت بدان دست خواهند یافت، داشته باشند. این هویت غایی، در واقع برآیند نهایی هویت اولیه یا همان هویت مبنایی است که نقطه تفاوت یک هویت جمعی با دیگر هویت‌های جمعی به شمار می‌آید.

به طور کلی، هویت‌ها یا خاستگاه دینی دارند و تعالیم و آموزه‌های علمی و وحیانی در ایجاد آن، نقش محوری ایفا می‌کند یا مادی هستند و آرمان‌ها و ارزش‌ها و غایات دست‌ساز بشری تعیین‌کننده سمت و سوی هویت‌هاست.

فایده و کارکرد اجتماعی هویت

نخستین عرصه‌ای که هویت، خود را در آن به سان یک موجود مجازی و نامرئی نشان می‌دهد، حوزه فرهنگ است. به تعبیر دیگر، فرهنگ عرصه‌ای است که هویت در موضوعات مختلف سیاسی، دینی، اقتصادی، قومی و... به عینیت درمی‌آید و شکل و قالب لمسی و حسی (مورد شناخت با حواس شناختی) به خود می‌گیرد. (همان: ۲۹۷). بنابراین، اجتماع به‌عنوان ساحت تعامل انسان‌ها با یکدیگر و میدان بروز و ظهور جهت‌گیری‌های جمعی و تاریخی در فضایی زندگی و رشد می‌کند که فرهنگ نام دارد. در واقع، فرهنگ به‌منزله رحمی است که

جنین جامعه در درون آن بر خود می‌بالد و طبیعتاً هر میزان که این رحم از قوت و قدرت بیشتر برخوردار باشد، قوام و استواری جامعه در ابعاد گوناگون نیز بیشتر خواهد بود. از آنجا که ثمره هویت چه در سطح فرد و چه در سطح اجتماع، به شکل فرهنگ، خود را نشان می‌دهد، هرگونه انتظار برای داشتن میوه‌های شیرین و مطلوب فرهنگی در گرو داشتن هویتی پیشرو و تعالی‌بخش است. از این رو، کارکرد اجتماعی هویت را می‌توان در نوع فرهنگی یافت که از آن زاده می‌شود و سمت و سوی حرکت اجتماع در ابعاد گوناگون را تعیین می‌کند. هویت در اندیشه دینی متغیری وابسته به ارزش‌ها و آرمان‌ها و قواعد مبنایی آفرینش است؛ به این معنا که در فلسفه دینی، نخست هویت منبعث از فرهنگ دینی اصالت دارد و دوم، انسان‌ها موظف به انتخاب چنین هویتی برای برخورداری از تعالی و نجات از هبوط شیطانی هستند. در چنین انتخابی، اجبار وجود ندارد.^۱

کارکردهایی که برای هویت می‌توان در نظر گرفت، عبارتند از:

۱. انسجام و همبستگی ملی؛
۲. ایجاد آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی؛
۳. تعیین سازوکارهای فرهنگ سیاسی (به معنای چارچوب حفظ‌کننده مدنیت و انتظام ملی).

با توجه به کارکردهای فوق می‌توان دریافت که هویت به منزله تکیه‌گاهی است که جوامع در گذر تاریخی خود به سوی آینده، به آن تکیه می‌کنند. هویت‌ها به هر میزان که از مبانی و غایات منطقی و منظم برخوردار باشند و توان تولید سیاست در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را داشته باشند، در رهگذر پرآشوب گسست‌های فرهنگی و تعارض‌های هویتی، به همان میزان سر به سلامت می‌برند و توان حفاظت از اعضای خود را خواهند داشت. به همین منظور، نقش الگوهای تاریخی و ملی چه باستانی و چه معاصر، در این مسیر بسیار مهم است، به گونه‌ای که ترجمه مستمر و بروز این آرمان‌ها و الگوها برای نسل‌های

۱. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶)

جدید می‌تواند قدرت بی‌پایانی در بسیج توان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی برای تحقق و صیانت از موجودیت یک ملت و جامعه پدید آورد.

گونه‌شناسی هویت

بر اساس آنچه از تعریف هویت در فصل پیش گفتیم و ارتباط ارگانیک آن را با مقوله فرهنگ برشمردیم، به راحتی می‌توان نقش هویت‌های فردی و جمعی را در ایجاد تحولات مهم تاریخی - به‌ویژه در جوامع در حال گذر - دریافت. در این گونه جوامع که بنا به دلایل متعدد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، رژیم پیشین کارآمدی و مشروعیت خود را از دست می‌دهد و ضرورتاً باید جای خود را به صورت بنیادین به نظامی نوین و اساساً متفاوت با فلسفه سیاسی - فرهنگی خود بدهد، نقش هویت جمعی و تاریخی توده‌ها در تعیین سمت و سو و چارچوب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رژیم جدید، نقشی محوری و اساسی است.

آنچه در این زمینه توجه به آن ضروری است و در فهم چیستی و ماهیت تحولات جدید، کلید اصلی این شناخت به شمار می‌آید، این است که هویت جمعی ایجادکننده سمت و سو و قالب و محتوای نظام جدید به یک‌باره پدید نمی‌آید، بلکه در واقع نوعی هویت سرکوب شده و پنهانی است که در گذر زمان و بنا به دلایل گوناگون تاریخی به حاشیه حیات اجتماعی رانده می‌شود و عموماً در حوزه فردی به حیات خود ادامه می‌دهد و در صورت بروز و ظهور جمعی هم رنگ و بوی آیینی و موسمی دارد و کارکردی عمدتاً یادبودی خواهد داشت.

هرچند این نوشتار مجال و هدف آسیب‌شناسی دلایل ابتلای هویت اسلامی - شیعی مردم ایران به رخوت و ناکارآمدی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را ندارد، به اجمال باید گفت از آنجا که همین هویت سرکوب شده توانست در پرتو برداشت‌های انقلابی و کارکردگرایانه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، نقش بنیادینی در ایجاد سازمان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و

حتی نظامی ایران معاصر بیافریند، از این رو، دقیقاً به دلیل همین قدرت کارکردگرایانه، هویت یاد شده به دست عوامل گوناگون دچار جعل مبانی و غایات شده، به گونه‌ای که از انتفاع ساقط شده بود.

بر همین اساس، رهبر انقلاب اسلامی ضمن ارائه برداشت‌های انقلابی شجاعانه و ناب از هویت اسلامی شیعی، کارکرد اجتماعی و سیاسی این هویت را به آن بازگرداند و با تکیه بر همین هویت توانست انقلاب اسلامی را در مرحله پیدایش و تکوین بنیان نهد. وی با سازمان‌دهی بسیج هوشمند، آگاهانه و انقلابی توده‌های مردمی، ایران را به پیروزی رساند و پس از پیروزی انقلاب نیز در بزرگ‌ترین بحران امنیتی- نظامی پیش روی جمهوری اسلامی، یعنی جنگ تحمیلی، نظام نوپای مبتنی بر هویت اسلامی را نجات داد و در نهایت، غایت تاریخی و آرمانی انقلاب اسلامی را در قالب انقلاب جهانی امام مهدی (عج)، برای مردم ایران به عنوان الگو و هدف قرار داد. این سه مرحله از هویت که تأثیر آنها در تحولات تاریخ ایران معاصر آشکارا دیده می‌شود، به گونه‌ای منشأ آثار عمیق و مانایی در تحولات داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی شده است، به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱. هویت تأسیسی

هویت تأسیسی، هویتی است که فرد یا جامعه در ابتدای سازمان‌دهی توانمندی‌های خود با استناد ذهنی و عملیاتی به آن، ظهور کردار فردی و جمعی خود را بر پایه آن پایه‌ریزی کرده است و با استخراج دلایل انگیزشی و ایدئولوژیکی خود از متن این هویت، از آن بهره می‌جوید. در انقلاب اسلامی ایران، اسلام راستین و عاشورای حسینی به منزله اوج تقابل جبهه حق و باطل (و مادی‌گرایی متظاهر به حق‌گرایی)، به عنوان هویت تأسیس‌کننده انقلاب اسلامی به کار گرفته شده است، به گونه‌ای که با توجه به ریشه‌های تاریخی و رسوخ عاطفی و ایدئولوژیکی و عمیق این هویت در فرهنگ تاریخی ایرانیان، توانست یک‌بار دیگر جنبشی فکری - سیاسی هم‌سنگ تقابل جبهه حق و باطل در صدر اسلام

پدید آورد.

۲. هویت تداومی

هویت تداومی، هویتی است که پس از آغاز یک فرآیند، برای استمرار فرایند یاد شده و به منظور جلوگیری از انحراف آن از مبانی و مبادی اولیه، باید همپای وضعیت‌های نوین، حفظ و تداوم یابد.

در انقلاب اسلامی ایران به دلیل تعارض فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی با نظام سلطه بین‌المللی، تداوم هویت عاشورایی و اسلام اصیل و انقلابی، تنها عاملی است که تاکنون یاری‌رسان مواجهات بنیادین انقلاب اسلامی در برابر با مستکبران بین‌المللی و منطقه‌ای در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. تداوم این هویت و از آن مهم‌تر، لزوم تداوم آن، در آثار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) به‌عنوان ترسیم‌کننده مبانی و غایات انقلاب اسلامی، از فراوانی بسیاری برخوردار است که در ادامه این فصل به آنها استناد خواهد شد.

۳. هویت غایتی

اگر تحولات تاریخی را در یک نمودار خطی فرض کنیم، می‌توانیم برای فرایندها و گذرهای تاریخی، نقطه‌ای را در نظر بگیریم که در اندیشه سیاسی از آن به‌عنوان نقطه آرمانی یا مدینه فاضله یاد می‌شود و در واقع، هدف هنجاری آن تحولات و رویدادها به شمار می‌رود. این غایات تاریخی (یا همان مدینه فاضله) دقیقاً محل تحقق همه هدف‌ها، آرمان‌ها و تصورات تاریخی یک مکتب و ایدئولوژی است. از دیدگاه آسیب‌شناسی هویت، هر میزان که یک هویت در مرحله تداوم و در نقطه غایت، انطباق جامع و راستینی با هویت تأسیسی داشته باشد، به همان میزان از سلامت محتوا و قالب برخوردار است و تضمین‌کننده سلامت هنجارها، شیوه‌ها، طرح‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد بود؛ به این معنا که اگر هدف غایی یک فرایند تاریخی و یک جنبش فرهنگی - سیاسی برای پدیدآوردنندگان آن جنبش و نیز هواداران آن، روشن، عینی و شناخته شده و از استفهام‌های معرفتی و هنجاری به دور باشد، به همان میزان می‌توان به پیروزی آن تحول در رویارویی با بن‌بست‌ها و معضلات ایجاد شده به دست رقیبان و مخالفان امیدوار بود.

در انقلاب اسلامی ایران، اتصال این انقلاب به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) و لزوم توجه حکومت و مردم به اصل انتظار ایجابی به معنای فراهم‌سازی مقدمات لازم تحقق یک وعده تاریخی، از سفارش‌های مؤکدی است که امام خمینی (ره) به‌عنوان هدف و هویت غایی انقلاب اسلامی بر آن تصریح و تأکید داشته است. در ادامه این فصل، برای نمونه به مصداق‌هایی از آن اشاره خواهد شد.

یکی از روش‌های متداول علمی برای ارزیابی و بررسی ماهیت و دلایل پدیدآورنده تحولات مهم اجتماعی و سیاسی، مراجعه به دیدگاه‌ها و چگونگی برداشت مخالفان آن تحولات است که این اصل عمدتاً با هدف پرهیز از جانب‌داری در پژوهش و رعایت اصل بی‌طرفی در شناخت حقایق تاریخی به کار گرفته می‌شود.

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک تحول بنیادین اجتماعی و سیاسی در سطوح داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی که مبانی و غایاتی ضد مشهورات و مقبولات رایج در دنیای معاصر دارد و نیز به دلیل تضاد فلسفی با بنیان‌های فکری مدرنیته غربی - که کشور ما را نیز قبل از انقلاب در آستانه سیطره کامل قرار داده بود - مورد توجه و بررسی بسیاری از نویسندگان و سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران و مراکز علمی و پژوهشی غرب قرار گرفته است که می‌تواند بازگشت به انقلاب اسلامی به مرجعی کاملاً متباین و متضاد با فرهنگ و غایات ماتریالیسم معاصر را اثبات کند و با به نمایش گذاشتن اهداف متعالی و آرمانی انقلاب اسلامی، آلوده نبودن این پدیده به اغراض سیاسی رایج و متعارف در انقلاب‌های جهان و مبارزات سیاسی را نشان دهد.

در میان تحلیل‌های مخالفان انقلاب اسلامی از این پدیده شگرف، دیدگاه‌های مخالفان داخلی به‌ویژه بازماندگان رژیم پهلوی، از ویژگی متمایز برخوردار است. این مخالفان از آنجا که خود با نگاه مستقیم و بی‌واسطه، چگونگی پیدایی و پیروزی انقلاب اسلامی را لمس و تجربه کرده‌اند، برداشت‌های نسبتاً درستی (در مقایسه با تحلیل‌گران خارجی) از جوهره ایجادکننده انقلاب اسلامی ارائه کرده‌اند که اگرچه با توجه به فرصت و مجال این نوشتار نمی‌توان تمام این آرا و دیدگاه‌ها را گردآوری، دسته‌بندی و بررسی محتوایی کرد، ولی بخشی از این دیدگاه‌ها را برای شناخت نگرش مخالفان انقلاب اسلامی از ماهیت و هویت ایجادکننده انقلاب اسلامی، در سه سطح تأسیس، تداوم و غایت برمی‌شماریم.

۱. هویت تأسیسی

کمتر نویسنده یا سیاست‌مداری را می‌توان در حوزه تحلیل علل و زمینه‌های به وجود آورنده و هویت تأسیس‌کننده انقلاب اسلامی یافت که دین را به‌عنوان مرکز گردش پرگار انقلاب اسلامی بیان نکرده باشد. حتی کسانی که در نظام سیاسی پیش از انقلاب در دستگاه پهلوی مسئولیت سیاسی و اجرایی داشتند و اوج اقتدار سیاسی و نظامی رژیم پهلوی و حمایت‌های همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا از رژیم شاه را از نزدیک می‌دیدند، از نقش مذهب و دین به‌عنوان شگفت‌انگیزترین متغیر در بسیج مردم و هدایت تمام مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یاد کرده‌اند. برای مثال، فریدون هویدا (سفیر شاه در سازمان ملل) در کتاب سقوط شاه، درباره عامل هویت‌بخش انقلاب و پدیدآورنده آن می‌نویسد: «مردم سر به زیر ایران، قدرت رامنشده خود را از ایمان و اعتقاد مذهبی عمیق کسب کرده‌اند؛ قدرتی که آنها را به تلاطم انداخته است». (هویدا، ۱۳۶۵: ۲۱۸)

درباره هویت تأسیسی انقلاب اسلامی، نکته بسیار مهمی که پیش از هر چیز باید به

آن توجهی معرفت‌شناسانه و کارکردی داشته باشیم، این است که اگرچه اسلام عامل برانگیزاننده و هویت‌بخش مبارزات انقلابی مردم بر ضد دستگاه سلطنت پهلوی به شمار می‌آید، همین دین تا چند سال پیش از آغاز نهضت اسلامی هم در ذهن و دل توده‌های مردم جاری و حاضر بود، ولی هرگز قادر به هویت‌بخشی به زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایرانیان نبود. با ظهور حضرت امام خمینی (ره) و ارائه برداشت‌های کارکردگرایانه ایشان از دین و نیز دعوت ایشان از مردم برای ایجاد جنبه‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی بر اساس مبانی و غایات دینی، اسلام در آغاز مبارزات مردم بر ضد دستگاه سلطنت پهلوی به عامل هویت‌بخش تبدیل شد.

در این میان، نمادهای مبارزاتی شیعی که در صدر آنها حادثه عاشورا قرار دارد، در بسیج و متمرکزسازی انرژی انقلابی مردم به دست امام خمینی (ره)، نقش محوری و اصلی را داشته است. عاشورا در واقع فراتر از یک منازعه سیاسی بر سر حکمرانی و کسب قدرت سیاسی است. عاشورا در حقیقت آرمان‌گرایی معطوف به دین و از جان گذشتگی و دست شستن از مواهب دنیای مادی برای تحقق اهداف و آمال متعالی دینی است. از این‌رو، استفاده از نماد عاشورا و عامل شهادت به‌عنوان بُرنده‌ترین سلاح در دست مردم برای رویارویی با ابزارهای مادی قدرت‌های مستکبر و جبار، یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های مبارزاتی امام خمینی (ره) بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌بخشی به چپستی مبارزات انقلابی بر ضد رژیم پهلوی داشت. آندر گلوگمان فیلسوف فرانسوی در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۹ طی مقاله‌ای در مجله آبسرواتور نوشت: «توجه به آمیزه‌ای که از مذهب و نیروی جوانان در ایران به وجود آمده، راز اصلی سقوط شاه را مکشوف می‌کند. در این میان، اگر کسی به اهمیت نقش شهادت در مذهب شیعه نیز آگاهی داشته باشد، به‌خوبی می‌داند که در این مذهب اگر کسی کشته شود، قدرت‌اش از قدرت کسی که او را کشته است، افزون‌تر خواهد شد».

عاشورا در واقع نماد رویارویی دو جبهه با قوای نابرابر است که با وجود پیروزی جبهه

قدرتمند، از پیروزی شمار اندک، ولی معتقد به آرمان‌های دینی و غیرماتریالیستی حکایت دارد. مینو صمیمی (منشی فرح پهلوی) درباره نقش عنصر شهادت در پی‌ریزی پایه‌های نخستین نهضت اسلامی ایران می‌نویسد: کسانی که در قم به دست مأموران رژیم کشته شدند، از سوی مردم لقب شهید اسلام گرفتند و این، به قیام همگانی علیه شاهنشاهی منجر شد. (صمیمی، ۱۳۶۸: ۲۲۰)

او در بخش دیگری از کتاب خود، ضمن انتقاد از روش اصلاحات و سمت و سوی آن در زمان محمدرضا شاه، اذعان می‌دارد که اگر بنا بود اصلاحات ریشه‌ای در کشور به اجرا درآید، ناگزیر می‌بایست عامل مذهب مورد توجه قرار می‌گرفت و اعتقادهای مذهبی مردم محروم که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند به‌عنوان یک نیروی پراهمیت اجتماعی در محاسبات گنجانده می‌شد. (همان: ۱۴۹)

اساس مبارزات حق‌طلبانه به دلیل مقاصد غیرمادی و نیز اتکای ابزاری به از جان گذشتگی مبارزان و مسلح شدن به سلاح ایمان و عقیده، نیازمند طرف‌دارانی خاص و مؤمن به مبانی و اهداف خود است. از این‌رو، رهبران انقلاب و سازمان‌دهندگان به مبارزات ضد رژیم پهلوی همواره می‌کوشیدند مسیر مبارزات اسلامی را از هرگونه توجهات مادی و روش‌های رایج در کشمکش‌های سیاسی متعارف در دنیا پاک و منزّه نگه دارند و عرفان و جهاد اسلامی را همراه هم پیش ببرند. از این‌رو، در زمان‌های خاصی مانند ماه‌های رمضان و محرم که عموم مردم در پی عبادات و آیین‌های سوگواری امام حسین (ع) به لحاظ روحی و عاطفی از دل‌بستگی‌ها دنیا رهاتر از گذشته می‌شوند، موج اعتراضات و مبارزات شتاب‌فزاینده‌ای به خود می‌گرفت. برای مثال، هنگامی که ماه رمضان ۱۳۵۷ فرا رسید، جنبه‌های مذهبی انقلاب نمود بیشتری یافت، به گونه‌ای که تظاهرات‌های گسترده‌ای به یاد شهیدان انقلاب برگزار شد و در اغلب آنها از مردم خواسته شد تا کسانی که معتقد به خدا، آگاه به فلسفه شهادت امام حسین (ع) و نیز خواهان

برقراری عدالت در جامعه هستند، برای انهدام خاندان پهلوی متحد شوند. در پایان ماه رمضان، حدود ۲۰۰ هزار نفر در خیابان‌ها به راه افتادند و در حالی که کفن به تن داشتند، فریاد می‌زدند که آماده‌اند جان خود را در راه دین قربانی کنند. (همان: ۲۳۳)

به این ترتیب، عاشورا به‌عنوان نماد مبارزه حق‌طلبان علیه ستمگران با وجود نابرابری در ابزار مبارزاتی و نیز تفاوت ماهوی مبارزات حق‌طلبانه با دیگر انواع مبارزات سیاسی، چه از حیث مبانی و چه از حیث غایات، عنصر اصلی ایجادکننده هویت تأسیسی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

۲. هویت تداومی

از آنجاکه انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اهداف فردی، گروهی، حزبی و در یک کلام، بر مبنای اهداف دنیایی و ماتریالیستی ایجاد نشده بود و آرمان‌های ناب و مقدس انسانی، الهی و دینی، چارچوب و محتوای انقلاب اسلامی را تشکیل می‌داد، در مرحله تداوم انقلاب، یعنی در دوران پس از پیروزی نیز همان هویت، تداوم‌بخش حیات و استمرار این نهضت به‌شمار می‌رود. انقلاب اسلامی که در دوران مبارزه، با نمادین کردن تعالیم دینی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توانسته بود سیل عظیم مردم را در مسیر سرنگونگی رژیم پهلوی به کار گیرد، در دوران پس از پیروزی نیز در ابتدا باید ضمن عملی کردن آرمان‌ها و گذاره‌های تعالی‌بخش اسلام، پای‌بندی نظام جدید به اهداف اعلام شده در دوران مبارزه را نشان دهد و ضمن صیانت از عوامل و متغیرهای هویت‌بخش در دوران پیدایی و تأسیس نهضت، دوران تداوم انقلاب را نیز با استفاده از همان هویت به پیش ببرد. هویت عاشورایی انقلاب اسلامی، هویتی زوال‌ناپذیر در مسیر مبارزه مستمر با ستمگران جهانی و قدرت‌های مستبد بین‌المللی است. از این‌رو، عاشورا همچنان به‌عنوان عامل هویت‌بخش در دوران تداوم انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

استمرار هویت تأسیس انقلاب اسلامی در دوران تداوم آن سبب استمرار همراهی

مردم با جمهوری اسلامی می‌شود، به گونه‌ای که مردم تحقق نسبی آرمان‌ها و آرزوهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود را در برنامه‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی می‌بینند. مینو صمیمی در این باره می‌نویسد: از نظر من که ایرانی‌ها را می‌شناسم، هیچ جای تعجب نیست که توده مردم ایران با ایمان خالصانه‌ای که در آنها سراغ داریم، اوضاع رژیم فعلی را به مراتب بیش از تشریفات و ظواهر مجلل رژیم قبلی با هویت خویش سازگار می‌دانند. (همان: ۱۴)

در اینجا نکته بسیار مهمی که بیان آن از منظر جامعه‌شناسی دین کاملاً ضروری به نظر می‌رسد، این است که مردم ایران با هوش و عقل جمعی خود به راحتی میان هویت و معاش خود تفاوت قایل شده و از سوی دیگر، به‌درستی اولویت هویت بر نیازمندی‌های مادی را تشخیص داده و حرکت‌های تاریخی و اقدام‌های جمعی خود را بر مبنای این دو اصل، یعنی تفکیک هویت از معاش و اصالت قایل شدن بر هویت در مقابل نیازهای مادی، قرار داده‌اند. این موضوع را می‌توان در طی دوران سی ساله حیات جمهوری اسلامی آشکارا مشاهده کرد که با وجود عدم همراهی جهانی با نظام تأسیس شده و منتخب مردم در ایران و نیز فشارهای بسیار و گوناگون سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی علیه ایران پس از انقلاب، مردم نه تنها از هویت دینی و انقلابی خود دست برنداشته‌اند، بلکه ضمن درک تاریخی و کارکردگرایانه دین و مشاهده سودمندی آن در سامان‌دهی زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود، همچنان خواستار تداوم این هویت و صیانت از آن از سوی جمهوری اسلامی هستند. مینو صمیمی در این باره می‌نویسد: «حالتی که در ایران پس از انقلاب حکمفرماست، دقیقاً با روح و قلب و اعتقاد مردم ایران هماهنگی دارد. آنها احساس می‌کنند که خداوند در میانشان حاضر است و آیت‌الله خمینی را مظهری از امام دوازدهم غایب خود می‌دانند». (همان)

تداوم هویت عاشورایی و استفاده از سلاح و منطق شهادت در رویارویی با قدرت‌های

استکباری، به جغرافیای سیاسی ایران محدود و منحصر نشده و جنبش‌های اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مینو صمیمی در بخش دیگری از کتاب خود، ضمن برشماری چگونگی تأثیرگذاری عنصر شهادت‌خواهی و از جان گذشتگی در تداوم انقلاب اسلامی می‌نویسد: پدیده‌ای جدید که توجه کارشناسان را به خود جلب کرده است، شوق به شهادت است که آثار حیرت‌آور آن را می‌توان در حملات انتحاری مردان و زنان شیعه در لبنان مشاهده کرد. (همان: ۱۳)

۳. هویت غایتی

همه مکتب‌ها و نهضت‌ها و جنبش‌های فکری، سیاسی و اجتماعی، همواره مدینه فاضله‌ای را برای مخاطبان و هواداران خود ترسیم می‌کنند و با امید به رسیدن به آن مدینه، توان‌های فردی و جمعی هواداران و معتقدان به مکتب خود را در مسیر تحقق اهداف و برطرف کردن موانع پیش روی خود به کار می‌گیرند. در انقلاب اسلامی ایران، هدف نهایی نهضت انقلاب اسلامی چیزی نیست جز فراهم‌سازی مقدمات لازم برای ظهور منجی نهایی و موعود آل محمد (ع). چنین غایت مقدس و انسان‌گرایانه‌ای به قدری شیرین و جذاب و در عین حال واقع‌گرایانه است که هر انسان طالب کمال و عدالت و آزادی و رفاه و امنیت را به سوی خود می‌کشاند. فریدون هویدا در این باره می‌نویسد: در بهار سال ۱۳۵۰، هنگام قدم زدن در بازار یزد متوجه پوستری شدم که رویش نوشته بود: ظهور امام زمان نزدیک است. دیدن این پوستر باعث شد تا زنگ خطر را در گوشم احساس کنم. (هویدا، ۱۳۶۵: ۱۰۶)

در واقع، از منظر امام خمینی (ره)، هدف و غایت اصلی انقلاب اسلامی چیزی نیست جز اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) و قرار دادن توانمندی‌های به دست آمده در پرتو حکومت اسلامی ایران در اختیار آخرین امام برای مبارزه با ستمگران و مستبدان به منظور تحقق عدالت و آزادی راستین در سراسر دنیا.

تأثیرگذاری عاشورای حسینی و انتظار بر هویت انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی

۱. عاشورای حسینی و هویت انقلاب اسلامی در دیدگاه امام خمینی

با توجه به مباحث ارائه شده درباره مفهوم هویت یک حرکت آگاهانه (مانند انقلاب اسلامی) مشخص گردید که هویت در یک پدیده اجتماعی با ارائه تعریف و شاخصه‌هایی یکسان موجبات پیوستگی اجزای آن پدیده به یکدیگر را فراهم می‌آورد و قالبی منسجم برای ایجاد و جهت‌یابی آن تحرک اجتماعی ایجاد می‌سازد. بر این مبنا می‌توان ضمن جست‌وجو در آثار مکتوب و منقول حضرت امام، مصداق‌های تأثیرات عاشورا و انتظار بر هویت انقلاب اسلامی را استخراج و بیان کرد. بر اساس فرضیه ارائه شده در این نوشتار، حرکت عاشورای حسینی، ایجادکننده هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی بوده است. چارچوب‌بندی و گردآوری دیدگاه‌های امام درباره هویت انقلاب اسلامی، یک مسیر منطقی در توضیح هویت انقلاب اسلامی است و تأثیر حادثه عاشورا بر آن حاکی از آن است که تبیین این مسیر می‌تواند به اثبات فرضیه این نوشتار بینجامد. بدیهی است استناد به آرا و اندیشه‌های حضرت امام به دلیل بنیان نهادن انقلاب اسلامی با این افکار صورت می‌پذیرد. اینک به تأثیرات نهضت عاشورا در هویت‌بخشی به انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

الف) عاشورای حسینی و ایجاد هویت انقلاب اسلامی

بخشی از سخنان و پیام‌های حضرت امام مؤید این نکته است که برپایی انقلاب اسلامی و ایجاد هویت آن، منبعت از قیام سیدالشهدا بوده است. این نکته در بسیاری از آثار حضرت امام انعکاس یافته است؛ از جمله:

«انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است». (امام خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۷، ۴۸۲)، «فداکاری‌ها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی که پایه‌گذار خروج از ظلمت به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال بود، از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی یافت...». (همان: ج ۱۶، ۲۹۰)

«نهضت امام حسین آمده تا اینجا و این نهضت را درست کرده است. [نهضت ما] شعاعی است از آن نهضت». (همان: ج ۱۰، ۳۱۴)

«نهضت ما مرهون امام حسین است». (همان: ج ۸، ۵۲۸)

«ما هر چه داریم از محرم است... از شهادت سیدالشهداء است. اگر این مجالس و عطا و خطابه و عزاداری و اجتماعات و سوگواری محرم نبود، ما پیروز نمی شدیم؛ همه تحت بیرق امام حسین ﷺ قیام کردند». (همان: ج ۱۷، ۵۸)

«اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود ۱۵ خرداد پیش نمی آمد؛ هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را برپا کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء». (همان: ج ۱۶، ۳۴۶)

این روند در برخی سخنان امام آن چنان به صراحت نزدیک می شود که جنبه شبیه سازی و این همانی در هویت پیدا می کند؛ برای نمونه:

«امروز، روز انتقام از کفر و نفاق است. روز، فداکاری است. امروز، روز عاشورای حسینی است. امروز، ایران کربلاست؛ حسینان آماده باشید». (همان: ج ۲۱، ۱۱)

«این همه مردم خون دادند برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند؛ [این راه] دنباله کار سیدالشهداء است؛ سیدالشهداء هم خورش را داد برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند». (همان: ج ۸، ۴۲)

ب) عاشورای حسینی، هویت ساز انقلاب اسلامی

بخشی از بیانات امام خمینی ﷺ ناظر بر این معناست که انقلاب اسلامی و هویت مفهومی آن، از حماسه عاشورا الگو گرفته است. در حقیقت، هویت انقلاب اسلامی با الهام از نهضت حسینی ترسیم شده است. برخی از این تعابیر عبارتند از:

«هیئات که امت محمد ﷺ و سیراب شدگان کوثر عاشورا به مرگ ذلت بار تن دردهند». (همان: ج ۲۰، ۳۱۸)

«تکلیف ما را سیدالشهداء معلوم کرده است که از شهادت نترسید». (همان: ج ۱۷، ۵۵)

«ملت ایران با الهام از حادثه عاشورا آن قیام کوبنده را به وجود آورد». (همان: ج ۱۶، ۲۹۰)

«ملت ایران از پرتو هدایت [امام حسین]، معرفت به وظیفه و از استقامت او در مقابل باطل، استواری فراگرفت». (همان: ج ۱۶، ۲۴۹)

«کیفیت مبارزه را حضرت سیدالشهدا به ملت ما آموخته و با کار خودش به ملت ما تعلیم داده است». (همان: ج ۱۷، ۵۶)

«تبعیت و پیروی از سیدالشهدا و اصحاب ایشان در عشق به شهادت است». (همان: ج ۱۵، ۶)

«ما افتخار می‌کنیم که مانند سیدالشهدا در روز عاشورا کشته شویم و بچه‌های ما اسیر و اموالمان را غارت کنند. ما همانند حسین از همین الان اعلام می‌کنیم هر که با ماست، به طرف ما بیاید و هر کس با ما نیست، به سمت لشکر یزید برود». (همان: ج ۱، ۲۴۰)

«ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که انگیزه ایشان از قیام، نهی از منکر بود و اینکه هر منکری باید از بین برود، من جمله حکومت جور». (همان: ج ۲۱، ۱)

«کربلا چه کرد و در عاشورا چه تأثیری داشت؟ همه زمین‌ها باید این طور باشد؛ همه روز ملت ما باید این معنا را داشته باشد که امروز، روز عاشوراست و ما باید در مقابل ظلم بایستیم و همین جا کربلاست و باید نقش کربلا را پیاده کنیم». (همان: ج ۱۰، ۱۲۲)

ج) هویت تأسیسی انقلاب اسلامی و فرایند آن

از جمله مباحث مرتبط با هویت انقلاب اسلامی در کلام و پیام امام خمینی (ره)، بحث فرایند و ساز و کار تأثیر نهضت حسینی در ایجاد هویت انقلاب اسلامی (هویت تأسیسی) است. سخنان حضرت امام در سرفصل‌هایی مختلف به تبیین این فرایند پرداخته و با توجه به کارویژه‌های این هویت (از جمله انسجام‌بخشی و گردآوری اجتماعی، همسوسازی اجتماعی)، در فرازهایی مختلف به این بحث اشاره داشته است؛ از جمله:

«اگر قیام سیدالشهدا نبود امروز ما هم نمی‌توانستیم پیروز شویم. این مجالس عزا و سوگواری سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون این که زحمت برای ملت ما باشد، مردم مجتمع‌اند». (همان: ج ۱۷، ۵۶)

«[مجالس محرم] سازمانی است که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد ملت را جمع کند، خودبه‌خود مردم را به هم پیوند داده است». (همان: ج ۱۶، ۳۴۴)

«ملت ما انقلاب کرد که به برکت همین مجالس [محرم] بود که همه کشور و مردم را دور هم جمع کرد و همه به یک نقطه نظر کردند». (همان: ج ۱۶، ۳۴۷)

«اگر عاشورا و گرمی شور انفجاری آن نبود معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازمان‌دهی واقع بشود». (همان: ج ۱۶، ۲۹۰)

«[تجمع و سوگواری برای سیدالشهدا] برای ما نفع دارد؛ همین جهت روانی آن که قلوب را چگونه به هم متصل می‌کند». (همان: ج ۱۱، ۱۰۰)

در موارد فوق، به صورت مشخص به گوشه‌ای از کارویژه‌های هویت تأسیسی برآمده از نهضت عاشورا مانند انسجام‌بخشی و ایجاد هماهنگی و هماوایی اجتماعی که زمینه رهبری یک حرکت هدفمند اجتماعی مانند انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد، اشاره شده است. از دیگر مصداق‌های فرایند تأثیر نهضت عاشورا بر هویت تأسیسی انقلاب اسلامی، مشابه‌سازی تاریخی پدیده هویت است که حضرت امام خمینی ره در عبارتی، این چنین به تبیین آن پرداخته است:

«مجالس عزای حسینی، [از جمله] شعائر مذهبی و سیاسی ماست. ذکر مصائب مظلوم و ذکر جنایات ظالم در هر عصری مظلومان را مقابل ظالم قرار می‌دهد». (همان: ج ۱۰، ۳۱۶)

با توجه به چنین کارویژه‌هایی است که حماسه حسینی به‌عنوان ایجادکننده هویت تأسیسی انقلاب اسلامی معرفی می‌شود؛ چراکه کارویژه‌ها و فواید ناشی از هویت (به‌ویژه نوع

تأسیسی آن) همانند مواردی است که حضرت امام در بیانات خود از جمله عبارات فوق، به آن اشاره داشته است.

د) قیام عاشورا، هویت تداومی انقلاب اسلامی و فرایند آن

هویت تداومی به عنوان بستر و محرک تداوم یک کنش یا حرکت جمعی بلندمدت، از جمله اساسی ترین عوامل در تضمین صحت مسیر و امتداد بقایای آن سامان اجتماعی به شمار می آید؛ چراکه ادامه حیات یک حرکت و سامان جمعی به دو عامل مهم بستگی دارد: توان آن سامان در حفظ سلامت و قدرت مقابله آن با پدیده های مخل حرکت. بر این مبنا، حضرت امام افزون بر اینکه هویت تأسیسی انقلاب اسلامی را بر پایه تفکرها و الگوهای عاشورایی نهاد، هویت تداومی انقلاب اسلامی را هم بر اساس مؤلفه های عاشورایی و حسینی بنا کرد. این نگرش آن چنان در منظر امام قطعیت یافته است که ایشان با قاطعیت اعلام می دارد: «عاشورا را زنده نگه دارید که با زنده نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیبی نخواهد دید». (همان: ج ۱۵، ۳۳۳)

تأکید امام بر زنده نگه داشتن حماسه عاشورا و تفکرهای عاشورا از آن روست که ایشان حیات انقلاب را پیوسته در گرو بقای هویت عاشورایی آن می داند، به گونه ای که معتقد است در صورت بقا و صحت مسیر، بزرگداشت قیام سیدالشهدا در فضای جامعه انقلاب اسلامی از هر خطری در امان است:

«باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت ها (مجالس عزاداری سیدالشهدا) را حفظ کنید؛ این خون سیدالشهدا است که خون همه ملت های اسلامی را به جوش می آورد و این دستجات عزیز عاشوراست که مردم را برای حفظ اسلام و مقاصد آن مهیا می کند». (همان: ج ۱۵، ۳۳۱)

«ما [بعد از انقلاب] به این اجتماع عاشورا و مجالس روضه بیشتر از سابق نیازمندیم. زنده نگه داشتن عاشورا، یک مسئله بسیار مهم عبادی و سیاسی است و در پیشبرد انقلاب اثری بسزا دارد». (همان: ج ۱۳، ۳۲۷)

«یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است، قضیه سیدالشهداست. اگر ما بخواهیم مملکتمان یک مملکت مستقل و آزادی باشد، باید این رمز را حفظ کنیم». (همان: ج ۱۱، ۹۷)

در این فراز، حضرت امام با اشاره به دو شعار و هدف مهم انقلاب اسلامی، یعنی استقلال و آزادی، حفظ این دو دستاورد انقلاب را وابسته به حفظ هویت عاشورایی می‌دانند؛ هویتی که از آن به «رمز»، تعبیر نموده است. این تعبیر از دقیق‌ترین مصادیقی به شمار می‌آید که عاشورا را به‌عنوان محتوای هویت تداومی انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. از این جمله‌اند:

«اگر سیدالشهدا نبود این نهضت هم پیش نمی‌برد. همین گریه‌ها [و عزاداری‌ها] این مکتب را تا الان نگه داشته و همین‌هاست که ما را زنده نگه داشت و این نهضت را پیش برده است». (همان: ج ۸، ۵۲۷)

«باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنت‌ها را حفظ کنید» (همان: ج ۱۵، ۳۳۱)

«این کشور ما که قیام کرد، از همان اول به دنیا اعلام کرد که ما نه تحت حمایت امریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم. ما تحت عنایات خدای تبارک و تعالی و پرچم توحید هستیم که همان پرچم امام حسین (ع) است... و ما همان‌طوری که سیدالشهدا در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه‌ای که آنها داشتند، قیام کرد تا شهید شد، ما هم برای شهادت حاضریم». (همان: ج ۱۷، ۵۹)

در این عبارت، به یکی از فرایندهای تداوم انقلاب اسلامی که شهادت‌طلبی است اشاره شده است؛ فرایندی که از جمله شاخص‌ترین مصداق‌های هویت تداومی برگرفته از نهضت عاشورا است.

«محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است». (همان: ج ۱۵، ۳۳۱)

«این محرم را زنده نگه دارید؛ ما هر چه داریم، از این محرم است و از این مجالس [سیدالشهدا]». (همان: ج ۱۷، ۵۸)

«به جز قدرت سیدالشهدا، هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملتی را که از همه جانب به او هجوم شده است و توطئه‌هایی را که از جانب همه قدرت‌های بزرگ برای او چیده‌اند، خنثی کند؛ الا همین مجالس عزای [سیدالشهدا]». (همان: ج ۱۶، ۳۴۶)

با توجه به این نگرش‌ها و بینش‌هاست که به تعبیر حمید عنایت: «امام خمینی مفاهیمی مانند تقیه و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و شهادت را به صورت متفاوتی با فقه‌های قبل تفسیر کرد و با توجه به ربط وثیقی که بین این چهار مقوله برقرار می‌نمود هنگامی که شهادت امام حسین (ع) و عبارت کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا را در نظر می‌گرفت، تفسیری از قیام امام حسین (ع) به دست می‌داد که می‌توانست کنش انقلابی علیه رژیم پهلوی را برانگیزاند. در واقع امام خمینی (ع) بیش از هر متاله دیگر شیعه که دارای منزلت قابل قیاس با وی باشد، خاطره کربلا را با احساس حادی از ضرورت سیاسی به کار گرفته است». (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۷۱)

در مسیر انقلاب اسلامی بود که امام خمینی (ع) و شاگردان و همفکران ایشان طی سخنرانی‌ها و پیام‌های خود، با استفاده از نمادهای عاشورایی نظیر شهادت، امام حسین، کربلا، امامت و عدالت و مفاهیم مقابل آن، مانند ظلم، فساد، یزید... و بیان حوادث محرم ۶۱ هجری، بر افکار عمومی جامعه تأثیر گذاشته و فرهنگ سیاسی جامعه ایران را دچار تحول اساسی نموده است و به هویت‌سازی پرداختند. (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

(سیاسی، ۱۳۸۵: ۷۷)

هویت‌ی که در دو بعد تأسیسی و تداومی، از جمله منابع اقتدار شیعه محسوب می‌شود و در ایام محرم، قوی‌ترین نیروی بسیج اجتماعی را در اختیار انقلاب اسلامی قرار می‌داد. بهره‌برداری هویتی از عاشورا در تاریخ تشیع نیز مسبوق به سابقه بوده است؛ چراکه سنت اعتراض علیه حکومت‌های جبار، سنت شهادت و جاودانگی قبور ائمه و امام‌زادگان، مرثیه‌خوانی و عزاداری برای شهیدان، از جمله منابع سنتی قدرت شیعیان محسوب می‌شده است. (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۲۸)

بنابراین، بدون درک این سابقه نمی‌توان فهم دقیقی از هویت انقلاب اسلامی به دست آورد؛ چراکه مؤلفه‌های مذهب شیعه و همچنین فضایی که در جامعه ایرانی نسبت به حادثه عاشورا وجود داشت، عامل تقویت هویت انقلاب اسلامی گردید و به این ترتیب، ایدئولوژی، فضای فرهنگی سیاسی و زمینه‌های تاریخی ایران، اوضاعی را فراهم آورد که در چارچوب انقلاب اسلامی، رهبران مذهبی توانستند مردم را بسیج کنند و به طراحی مسیر انقلاب بپردازند. بازسازی حادثه عاشورا و ورود آن با گفتمان‌های جدید به فضای فرهنگی - سیاسی جامعه، از جمله نمادهای هویت‌سازی بر اساس قیام حسینی به شمار می‌آید. از آنجاکه سلطه قدرت‌های فرامنطقه‌ای و استبداد داخلی، اوضاعی غیرعادلانه و مذهب‌ستیز را بر جامعه ایران حاکم ساخته بود، حرکت انقلاب اسلامی توانست با استفاده از هویت برآمده از فرهنگ عاشورا، یزید و حاکمیت او را با وضعیت معاصر ایران مشابه‌سازی کند و به این ترتیب، مردمی را که سال‌ها در عزای حسین (ع) گریسته بودند، به قیام بر ضد سلطه خارجی و استبداد داخلی فراخواند. (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵: ۸۷) به تعبیر شهید مطهری مردمی که سال‌ها آرزوی این را داشتند که در زمره یاران امام حسین باشند، در فضای انقلاب، خود را در صحنه‌ای مشاهده کردند که گویی حسین (ع) را به عینه مشاهده می‌کنند. مردم صحنه‌های کربلا را در برابر خود

می‌دیدند و همین باعث شد که به‌پا خیزند و یک‌سره بانگ تکبیر بر هرچه ظلم و ستمگری است، بزنند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۲۱)

۲. انتظار مهدوی و هویت انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی

هویت غایتی، از جمله تقسیمات کلی هویت است و در حالات متفاوت، متضمن چرایی و فایده یک حرکت جمعی، حالت مطلوب آرمانی و نهایت و پایان یک تحرک اجتماعی است. در واقع هویت غایتی سبب می‌شود تا افراد یک جامعه حرکت برآمده از هویت تأسیسی و امتداد یافته به واسطه هویت تداومی را به یک سمت و سوی مشخص ادامه دهند و در برآیند هویت تأسیسی، تداومی و غایتی، به یک حرکت نظام یافته اجتماعی تا حد دستیابی به افق مطلوب و نیز در چارچوب هویت برگزیده خود پیوسته به تلاش و تکاپوی اجتماعی بپردازند. انقلاب اسلامی به منزله یک حرکت معنادار جمعی، هویت غایتی خود را در فضای مفهوم کلی انتظار مهدوی سامان بخشیده، به گونه‌ای که در حقیقت مقوله انتظار مهدوی، منبع تغذیه و صورت‌بندی هویت غایتی انقلاب اسلامی قرار گرفته است. حضرت امام در بخش‌هایی از سخنان خود به تبیین این بحث پرداخته و جوانب و ابعاد آن را بیان کرده است. این گفتارها را می‌توان در قالب تقسیم‌بندی‌های مفهومی زیر بررسی کرد:

الف) انتساب انقلاب و نظام به هویت غایتی آن

از جمله کارویژه‌های هویت غایتی، ممتاز نمودن حرکت جمعی از دیگر حرکات اجتماعی به نسبت نهایت و افق مطلوب آن است. حضرت امام در بسیاری از فرموده‌های خود، نظام و کشور جمهوری اسلامی ایران را به امام عصر  منتسب کرده است که برخی از این موارد عبارتند از:

کشور بقیه الله الاعظم (امام خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۶، ۲۰۰)

کشور حضرت مهدی (همان: ج ۱۵، ۴۲۰)

کشور ولی الله الاعظم (همان: ج ۱۵، ۳۸۷)

کشور صاحب الزمان (همان: ج ۱۹، ۱۴۵)

ب) طرح تداوم انقلاب اسلامی تا ظهور ولی عصر^(عج) و معرفی ظهور به عنوان پایان مسیر انقلاب اسلامی
«این ملت برای خدا قیام کرده است و به پیش می‌رود تا اینکه جمهوری اسلامی متصل
بشود به زمان ظهور حضرت ولی عصر^(عج)». (همان: ج ۱۶، ۲۳۰)

«امیدوارم که این جمهوری اسلامی برسد به مقامی که خودش را برساند به زمان ظهور
امام زمان^(عج)». (همان: ج ۱۶، ۱۷۴)

«من امیدوارم که این نهضت متصل بشود به نهضت بزرگ امام زمان^(عج)». (همان: ج ۱۲، ۴۸۸)
«راه طولانی است؛ قوی باشید؛ قدرتمند باشید و اراده شما قوی باشد. ان شاء الله که این
زمان متصل بشود به زمان ظهور مهدی^(عج)». (همان: ج ۹، ۳۲)

«امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر^(عج)». (همان: ج ۱۳، ۱۱۹)

«ان شاء الله که با عمل به قانون اساسی، آرمان‌های اسلامی برآورده شود و تا ظهور
حضرت بقیه الله باقی و مورد عمل باشد». (همان: ج ۱۱، ۱۰۳)

«ان شاء الله این کشور تا ظهور موعود به استقلال خودش ادامه بدهد». (همان: ج ۱۴، ۳۰۹)
«امید است که این انقلاب جرقه و بارقه الهی باشد و به طلوع فجر انقلاب مبارک
حضرت بقیه الله منتهی شود». (همان: ج ۱۵، ۶۲)

«ان شاء الله این ملت بتواند این کشور را به طور شایسته تحویل امام عصر^(عج) بدهد». (همان: ج ۱۶، ۳۲۳)

«تا بتوانیم این امانت الهی را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت
مهدی^(عج) رد کنیم». (همان: ج ۱۸، ۴۷۵۲)

ج) انقلاب اسلامی، مقدمه و زمینه‌ساز ظهور امام عصر(عج)

این مجموعه گفتارها ناظر به بعدی از هویت غایتی است که از چرایی و ثمره انقلاب اسلامی سخن می‌گوید و ظهور را به‌عنوان سرانجام انقلاب معرفی می‌کند، به گونه‌ای که در واقع، ثمره انقلاب را در زمینه‌سازی ظهور می‌داند. این شکل از هویت غایتی در حقیقت پاسخی است به پرسش هویتی «برای چه؟». اینک نمونه‌هایی از بیانات حضرت امام که ناظر به این بعد از هویت غایتی است، بیان می‌کنیم:

«انقلاب اسلامی با تأییدهای خداوند متعال در سطح جهان در حال گسترش است و ان‌شاءالله با بسط آن، قدرت‌های شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخرالزمان مهیا خواهد شد». (همان: ج ۱۵، ۳۴۹)

«ان‌شاءالله این انقلاب مقدمه‌ای باشد برای ظهور». (همان: ج ۱۵، ۲۶۲)

«امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه‌ای باشد برای ظهور حضرت بقیه‌الله». (همان: ج ۱۶، ۱۳۰)

«ما با صدور انقلابمان به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل هموار می‌کنیم». (همان: ج ۲۰، ۳۴۵)

«ان‌شاءالله [جمهوری اسلامی] بتواند قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار دهد». (همان: ج ۱۴، ۳۰۹)

یکی از تعبیرهای جالبی که حضرت امام در توصیف ظهور حضرت به‌عنوان هویت غایتی انقلاب اسلامی به کار گرفته است، تعبیر «آرزو» است:

«از خداوند تعالی خواهانم کشور ما را به آرزوی خود که ظهور حضرت مهدی(عج) است، برساند». (همان: ج ۱۷، ۳۰۷)

نتیجه‌گیری

۱. نتیجه‌گیری نظری

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت هدف‌دار اجتماعی، برای ایجاد، تداوم و سامان‌یابی نهایی خود، نیازمند هویت است و مفهوم کلی هویت در سه بعد تأسیسی، تداومی و غایتی، در برپایی و بقای انقلاب اسلامی ظهور یافته است. دستاورد نظری این تحقیق، یافتن منابع هویت سه‌گانه انقلاب اسلامی است. فرضیه ثابت شده طی این تحقیق بیان می‌دارد که نهضت عاشورا به‌عنوان منبع تغذیه و تأمین محتوای هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی و انتظار مهدوی به‌عنوان شکل‌دهنده و منبع هویت غایتی انقلاب اسلامی برگزیده و مثمر‌تر واقع شده است.

۲. نتیجه‌گیری کاربردی

الف) از آنجاکه هویت تأسیسی انقلاب اسلامی بر پایه حماسه حسینی ایجاد شده است، از این رو، شناسایی انقلاب اسلامی و چگونگی رخداد آن، جز با فهم ماهیت نهضت حسینی امکان‌پذیر نیست.

ب) با توجه به برپایی هویت تداومی انقلاب اسلامی بر مبنای نهضت حسینی، مهم‌ترین مبنای فکری برای حفظ و نگهداری انقلاب اسلامی از خطرهای آسیب‌ها، زنده نگه داشتن تفکر رایج در نهضت حسینی و طرح و تبیین دقیق ارزش‌های محوری نهضت عاشورا (نهی از منکر، امر به معروف، جهاد در راه خدا و...) است.

ج) سرنوشت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در چارچوب هویت غایتی آن، با انتظار مهدوی گره خورده است تا آنجا که دریافت صحت مسیر انقلاب و برنامه‌ریزی برای ادامه و سامان‌یابی آن، جز در پرتو فهم دقیق انتظار مهدوی و مفهوم ظهور ممکن نیست.

فهرست منابع و مآخذ

۱. خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۲. رفیع‌پور، فرامرز، *آنانومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتظار، ۱۳۸۵.
۳. صمیمی، مینو، *پشت پرده تخت طاووس*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۸.
۴. عنایت، حمید، *تفکر نوین سیاسی اسلامی*، تهران، سپهر، ۱۳۶۲.
۵. کاظمی، علی اصغر، *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران، قومس، ۱۳۷۶.
۶. مطهری، مرتضی، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
۷. مطهری، مرتضی، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، صدرا، ۱۳۸۵.
۸. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «هویت انقلاب اسلامی و نهضت عاشورا»، *ویژة‌نامه تحلیلی دومین همایش فجرآفرینان عاشورایی*، شماره ۲، ۱۳۸۵.
۹. هویدا، فریدون، *سقوط شاه*، ترجمه ح. الف. مهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۵.
10. Hogg, Michael A , Deborah J. Terryn and Katherine M. white. "A Tale of Two Theories: A Critical Comparison of Identity Theory with Social Identity Theory." *Social Psychology Quarterly* 58:4, 1995.
11. Tajfel, H. and John C. Turner. "An Integrative Theory of Intergroup Conflict." *Social Psychology of Intergroup Relations*, The, 1986.
12. Northrup, Terrell A. "The Dynamic of Identity in Personal and Social Conflict." *Intractable Conflicts and Their Transformation*, October 1989.